یکشنبه 12/12/1403-1ول رمضان المبارک 1446-2مارس 2025 –درس 101 فقه رهبری سازمانی – شرائط و موانع – تسلیم وشک

مساله 91 : مدیران در مقام ادای وظیفه رهبری سازمانی ملزم به احتیاط حین شک در توجه تکلیف به خود هستند تا عمل به احتیاط در پیروان آنها نیز به فرهنگ سازمانی مطلوب بدل و انسجام مجموعه تضمین شود .

***شرح مساله :*** معلوم شد که شک واجب الازاله است از نفس مدیر در حال رهبری و نیز از نفوس پیروان مدیر. راههای ازاله آن هم شرعا و عرفا مطرح گردید و قاعده فقهیه اداریه بر این شد که شک از جنود جهل است و تبعیت از آن مشمول این آیه میشود که ولاتقف مالیس لک به علم ان السمع و البصر و والفواد کل اولئک کان عنه مسئولا زیرا شک نماد مالیس لک به علم است که نباید مورد اعتنا قرار گیرد مخصوصا در مدیریت رفتار سازمانی و نیز مدیریت ساختار سازمانی . مساله این است که ما در اصول فقه الاداره قاعده احتیاط را به اثبات رسانده ایم که در صورت شک در تکلیف به جای برائت باید اصل احتیاط را جاری کنیم به علت لزوم انسجام سازمانی که که اگر کارمند یا کارگزاری تردید و شک داشته باشد در این که آیا فلان فعل سازمانی بر دوش من واجب است و تکلیف من است یا بر دوشم نیست باید انجام دهد و نباید ترک کند که بحث مفصلی دارد .آیا این احتیاط مساوق با اعتناء به شک نیست در پاسخ باید گفت که شکی که از جنود جهل شمرده شده است شک در حقانیت ها ست حقانیت مدیر مشروع ،نظام اسناد و فرهنگ سازمانی مطلوب و حاکم . متعلق شک مخرب ،حقانیت است شک در وجود خداوند واصول دین وامثال ذلک به قرینه ضد آن که تسلیم است که بالوضوح تسلیم در مقابل حقانیت ها است که به معنای ایقان و علم است .شک در تکلیف را چه باید کرد ؟ آیا مصداق شک در حقانیت است ؟ یا متوجه فعل است نه عقیده ؟ کارمندی به حقانیت سازمان تسلیم است و شکی ندارد ولی در این که این فعل سازمانی توسط این سازمان مقطوع الحقانیه بر دوش من گذاشته شده یا بر دوش من نیست بر دوش دیگری است و اصلا معلوم نیست سازمان بر حق چنین وظیفه ای را انشاء کرده باشد .پس منافاتی ندارد من تسلیم حقانیت اصول و مبانی و اهداف سازمان مشروع هستم ولی مردد هستم که آیا این کار وظیفه ام هست یا نه در این جا ما قائل به احتیاط شدیم و هستیم یعنی به آن عمل کن تا حق الطاعه مولا را مراعات کرده باشی این حق الطاعه خودش باید مورد تسلیم واقع شود از حقوق مولا است در رساله الحقوق . مصداقی از حقانیت است که نباید مورد شک بعد از تسلیم واقع شود ریشه حق الطاعه چیست ؟ این که مولا حق تبعیت دارد و مقام مولویت او چنین حقی را در سازمان برای او ایجاد کرده است همین که مقام بالا دستی است و منصوب شده است حق اطاعت دارد به همان دلیل که خداوند حق الطاعه دارد و سلسله حقه خلفاء او که همان مدیرانی هستند که به گونه مشروع روی کار آمده اند لذا همان طوریکه خدا که مولای کل است حق الطاغه دارد موالی عرفیه هم حق الطاعه دارند بلکه حق الطاعه موالی عرفیه سند اثبات حق الطاعه خداوند هم هست یعنی چونکه در عرف خاص یا عام ،موالی و امراء مفروض الطاعه هسستند پس موالی شرعیه هم دارای حق الطاعه هستند . ریشه حق الطاعه اعتقاد و ایقان به حقانیت موالی است. حال اگر در این حقانیت تردید کنم ( بعد از علم به حقانیت ) این تردید از جنود جهل است که در نتیجه حق اطاعت مولا را هم زیر سوال میبرد . در نتیجه در صدور دستورات از سوی مولا اگر تردید شد با توجه به یقین به حقانیت او باید احتیاط کنم و به این دستور العمل اتیان نمایم تا مبادا حق مولا را تضییع کرده باشم و تضییع حق مصداق ظلم است وظلم هم قبیح است عقلا و حرام است شرعا .لذا میتوان احتیاط را به فرهنگ سازمانی بدل نمود که مورد تلقی به قبول جمع واقع شود زیرا به مصلحت نظام سازمانی خرد و کلان است حتی اگر در واقع هم واجب نباشد فعلی که احتیاطا به عنوان ماموریت و مامور به انجام داده ام ،زیرا مصلحت عامه حفظ نظام سازمانی و حفظ انسجام سازمانی مصلحتی است که تفویت آن جایز نیست فافهم .در نتیجه میتوان تردید در طاعت در این فعل را تردید در حقانیت مولا محسوب کرد و عمل به این فعل را ناشی از تسلیم در حقانیت مولا دانست . لذا این تردید و تسلیم مصداقی از جنود جهل و عقل خواهد بود .

 فتحصل : مدیران در مقام ادای وظیفه رهبری سازمانی ملزم به احتیاط حین شک در توجه تکلیف به خود هستند تا عمل به احتیاط در پیروان آنها نیز به فرهنگ سازمانی مطلوب بدل و انسجام مجموعه تضمین شود .(والله العالم)